

## درباره اوضاع جهانی

"بیانیه جنبش انقلابی انترناسیونالیستی مورخه سال 1984 خاطر نشان کرد که: "جهانی که پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفت بسرعت از نقطه ترکهایش، شکاف بر میدارد. مناسبات اقتصادی و سیاسی جهان یا بعبارتی "تقسیم بندی جهان" که در جریان و متعاقب جنگ جهانی دوم برقرار شد، دیگر با نیازهای قدرتهای امپریالیستی گوناگون جهت بسط و گسترش "مسالمت آمیز" امپراتوریهای سودشان خوانایی ندارد. جهان شکل گرفته بعد از جنگ جهانی دوم، در نتیجه درگیریهای بین امپریالیستها و بویژه بخاطر مبارزات انقلابی دستخوش تغییرات مهمی بود، اما امروز کل شبکه مناسبات اقتصادی، سیاسی و نظامی آن بزیر سؤال کشیده شده است. ثبات نسبی قدرتهای مهم امپریالیستی... در حال بهم خوردن است. مبارزات انقلابی ملل ستمدیده بار دیگر اوج می یابد و ضربات جدیدی بر نظم جهانی امپریالیستی وارد میکند... تشدید تضادها سیر نزولی نداشته، بلکه در آینده بسیار تکان دهنده تر و ناگهانی تر از پیش، همه کشورها و مناطق جهان و بخشهایی از توده ها که سابقا دچار رخوت بوده یا از حیات سیاسی کناره گرفته بودند را به گردونه تاریخ جهان وارد خواهد کرد. بنابراین کمونیستهای انقلابی باید آماده شوند و کارگران آگاه و بخشهای انقلابی مردم را آماده کنند و مبارزات انقلابیشان را برانگیزند.

"تحلیلی که بیانیه از بی ثباتی نظم کنونی جهان ارائه داد و فراخوانی که مبنی بر تدارک اضطراری جهت مواجهه با تغییرات و جهشهای ناگهانی در سیر تحولات جهان صادر کرد توسط وقایع جهان به اثبات رسید، هرچند بیانیه نتوانست چرخش اوضاع را به همان شکل که رخ داد، یعنی تلاشی اردوی سوسیال امپریالیسم شوروی و تخفیف رقابت حاد میان دو بلوک امپریالیستی بسرکردگی آمریکا و شوروی که جهان را به آستانه جنگ جهانی کشانده بود، پیش بینی کند.

در چارچوب بحران عمق یابنده نظام امپریالیستی، مشخصات اصلی اوضاع کنونی جهان چنین است: بپاخیزی مبارزات ملل ستمدیده جهان بویژه دستاوردهای شکوهمند جنگ خلق در پرو، ظهور طغیانهای توده ای حتی در دل هیولاهای امپریالیستی، ظهور مجدد امپریالیسم آمریکا بعنوان تنها سر ژاندارم نظم امپریالیستی، مداخله و تجاوز امپریالیستی علیه ملل ستمدیده، تشدید استثمار و حمله به توده ها در ملل تحت ستم و حتی خود کشورهای سرمایه داری و شکل گیری صف بندیهای جدید میان قدرتهای امپریالیستی.

### خیالات خام امپریالیستی مبنی بر "نظم نوین جهانی"

تلاشی اردوگاه شوروی امپریالیستی در واقع تبارز مهمی بود از بحران وخیم گریبانگیر کل نظام امپریالیستی، که اتحاد شوروی یک رکن بزرگ آن بود. در فردای فروپاشی اردوگاه شوروی، امپریالیستهای آمریکایی با تفرعن تحمیل یک "نظم نوین جهانی" را اعلام کردند. جهت خوشایند کردن این نظم "نوین" برای دنباله روانشان در آمریکا و ساده لوحان، امپریالیستها آنرا در لفافه عباراتی چون "احترام به قوانین بین المللی" و "عصر جدید صلح"، "دمکراسی"، "مبارزه با استبداد و دیکتاتوری" و حتی "حقوق بشر" پوشاندند. قدرتهای امپریالیستی که تا همین دیروز گلوی یکدیگر را می جویدند، نمایشی عاشقانه براه انداختند. سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای جهانی امپریالیستها بعنوان پاسداران "عصر جدید صلح جهانی" معرفی شدند. امپریالیستها امیدهای شیرینی داشتند که ماهیت واقعی فروپاشی بلوک سوسیال امپریالیستی شوروی را ببوشانند و از این واقعه برای ربودن سلاح ایدئولوژی انقلابی کمونیسم از دست توده ها سود جوئی کنند. نظریه پردازان آنها همدوش با مرتجعین و رویزیونیستهای رنگارنگ یک تعرض ضدانقلابی را آغازیدند و اعلام کردند، آرمان کمونیستی دست یافتن به جهانی عاری از استثمار، مرده است. و حتی مدعی "پایان تاریخ" شدند. امپریالیسم، ارتجاع و رویزیونیسم به لاف زنی پرداختند تا بیرق پوسیده و رنگ و رو رفته "دموکراسی"، این حاکمیت غیر انسانی و خونخوار سرمایه را به هوا بلند کنند و آن را بعنوان تنها آلترناتیو عرضه نمایند. این بدون شک یک توطئه تبهکارانه بود، اما نتایج زشت و خونینش عریانتر از آن بود که بتوان پنهان کرد.

اولین پرده نمایش نظم "نوین" جهانی تجاوز سبعانه آمریکا به عراق بود که به کمک سایر قدرتهای امپریالیستی و همراه با نسخه امروزی "لژیون سربازان خارجی" متشکل از سربازان کشورهای تحت سلطه امپریالیسم، انجام شد. هدف از اینکار ایجاد

امپراتوریها و ارباب و به انقیاد واداشتن ستمدیدگان بود. اما همین کار کمک کرد که نقاب "صلح طلبی" آنها پاره پاره شود و این تجربه بار دیگر ثابت کرد که رژیمهای کمپرادور در کشورهای تحت سلطه هرگز نمیتوانند ضرباتی قاطع و سازش ناپذیر بر اربابان امپریالیستشان وارد آورند. امپریالیستها نمایش خلع سلاح براه انداختند اما صلح هرگز از مجالس ضیافت این خون آشامان حاصل نمیشود. علیرغم عقد همه این توافقنامه ها و پیمانها، امپریالیستها بویژه آمریکا و روسیه امپریالیستی کنونی همچنان زرادخانه های مرگباری، با ظرفیت نابود کردن چندباره جهان، در اختیار دارند. امپریالیستها دم از عصر جدید "توسعه و همکاری" میزنند اما این فقط به تشدید استثمار حاد توده ها در کشورهای تحت سلطه و در خود کشورهای امپریالیستی، یعنی به فلاکت بیشتر مولدین واقعی انجامیده است. در کشورهای بلوک شوروی سابق، منجمله در روسیه، حاکمیت عریان سرمایه بطور فزاینده پرده های توهم را میدرد و رویای خوشبختی و رشد عاری از بحران را نقش بر آب میکند. رویاهای امپریالیستهای غربی مبنی بر فائق آمدن بر بحران نیز تبدیل به کابوس شده است چرا که بیش از پیش در این گرداب به پایین رانده میشوند و هر کجا دست به فتنه گری میزنند پاسخ میگیرند. امروز آنها حتی در کشورهای خود آماج خشم ستمدیدگان هستند. سیر تند وقایع بار دیگر بر بی ثباتی اوضاع جهانی تاکید میگذارد. بوق و کرنای تعرض ارتجاعی که همین چند سال پیش گوشها را کر میکرد به خاموشی می گراید. هر روز تعداد بیشتری از توده ها در چار گوشه جهان بصفوف مقاومت، شورش و انقلاب می پیوندند. آنها هر چه بیشتر به ورشکستگی رویزیونیستهای خوار پی میبرند و ظهور قدرت سرخ در کوه های رفیع پرو را خوشامد میگویند و راه های قدرتمندتری برای ضربه زدن به ستمگران جستجو میکنند.

### "آشوب عظیم" خوبست

همانطور که مائوتسه دون رهبر کبیر پرولتاریای جهانی بما آموخته، امپریالیسم همیشه سنگهای بزرگی برای پرتاب بسوی ستمدیدگان برمیدارد، اما دست آخر روی پای خودش می اندازد. این کاملا وصف الحال اوضاع کنونی جهان است. لاف زنیهای امپریالیستها پیرامون نظم "نوین" جهانیشان و سیر وقایع بدون شك ثابت کرده که از این نظام آدمخوار ذره ای هم امید خیر نباید داشت. نهادها، نوکران مرتجع و مهره های رویزیونیست آنها بیش از پیش افشاء میشوند. جنگ خلق در پرو مناطق آزاد شده ای را بوجود آورده که بار دیگر طبقه ما در آنجا قدرت خلق را برقرار کرده است. در کشورهای تحت سلطه یا بعبارتی "مراکز توفانی" انقلاب جهانی، مبارزه و مقاومت توده ها علیه امپریالیسم و نوکران مرتجعش اوج می یابد. آنها رهبران خودفروخته و قدیمی را کنار میزنند. نسلهای نوین وظیفه به پیش راندن مبارزه را بدوش میگیرند. جوشش و قیام بدرجات گوناگون در میان تمامی بخشهای ستمدیدگان، بین زنان، جوانان و تحتانی ترین اقشار توده ها که قرنهای اسیر اشکال متنوع و هیولائی ارتجاع بوده اند، وجود دارد. بتازگی، امپریالیسم آمریکا، این قلدر نفرت انگیز، در خاک خود سیلی جانانه ای از جانب قربانیان ستم طبقاتی و نژادی اش خورده است. نیزه های تیز توده های ستمدیده در کشورهای امپریالیستها جرات تجاوز به آنها را بخود میدهند بیکر این ببرهای کاغذی را نشانه میرود. موج عظیم "آشوب انقلابی" در حال شکل گیری است و این امر خوبست.

همه تضادهای اصلی یعنی تضاد بین ملل ستمدیده و قدرتهای امپریالیستی، تضاد بین پرولتاریا و بورژوازی در کشورهای امپریالیستی، و تضاد میان قدرتهای امپریالیستی، در پرتو بحران عمق یابنده نظام جهانی امپریالیستی دستخوش تغییراتی هستند. در این میان، تضاد بین ملل ستمدیده و قدرتهای امپریالیستی، و بنحوی حائز اهمیت هرچند تبعی، تضاد بین پرولتاریا و بورژوازی در کشورهای امپریالیستی در حال تشدید است. تلاشی اردوگاه امپریالیستی شوروی تضاد درون امپریالیستی را نسبت به قبل تخفیف داده است. اما تباخی میان امپریالیستها مبتنی بر رقابت است و امروزه میتوان آن را در تغییر صف بندیها و رقابت جوئی های جدید میان قدرتهای امپریالیستی در مواجهه با بحران عمق یابنده نظامشان و مبارزات رشد یابنده مردم، مشاهده کرد.

بقول بیانیه سال 1984 در زمانه ای که دورنماهای بینظیری برای انقلاب در حال شکل گیری هستند، "باید هشیاری انقلابی خویش را بالا برده و آمادگی سیاسی، ایدئولوژیک، تشکیلاتی و نظامی را جهت بهترین استفاده از فرصتهای موجود در خدمت

به منافع طبقه خویش و کسب پیشرفته ترین مواضع ممکن برای انقلاب جهانی پرولتري، افزایش دهیم " وجود جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و احزاب مائوئیست متحد در آن، شالوده قدرتمندی را برای دستیابی به این هدف فراهم کرده است. باید این هدف را متحقق کرد. خاصه آنکه کمونیستها باید سلاح مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم را در کف میلیونها توده ستمدیده قرار دهند، در جریان مبارزه بیرحمانه علیه اشکال رنگارنگ و کهنه و جدید رویونیسم آن را حفاظت کنند، احزاب مائوئیست را در کشورهایی که هنوز حزب مائوئیستی موجود نیست ایجاد کرده و هر آنجا موجود است آن را تقویت کنند تا جنگ خلق را جهت نابودی قطعی امپریالیسم و ارتجاع و پیشروی بسوی آینده شکوهمند کمونیستی تدارک ببینند، آن را براه بیندازند، گسترش دهند و به پیروزی برسانند.

26 دسامبر 1993